

# متهم: آخر گنده‌لات بازی

## آخرین جزئیات شرور سطح یک که به اتهام قتل عمد بازداشت شد

### قتل است!

ساعت پس از آزادی از زندان با قرار وثیقه، در مهمانی که دوستانش برای آزادی او برگزار کرده بودند، حضور پیدا می‌کند و در آنجا بحث و درگیری پیش می‌آید. این فرد با استفاده از چاقو سه نفر می‌شوید، اما یک نفر از آنها به نام حسین گودزی بر اثر شدت جراحات فوت می‌کند. «سردار رحیمی در ادامه گفت: «متهم بعد از ارتکاب جرم بلافاصله به منزل رفته و با برداشتن مدارک و مقداری پول نقد به سمت مرزهای غربی ایران به قصد خروج از مرز ایران به ترکیه می‌رود. او همراه دوستانش که آنها نیز سابقه اوپاشگری داشتند، در یک روستای مرزی پنهان می‌شود تا از طریق قاچاقچیان به ترکیه برود.»

رئیس پلیس پایتخت با اشاره به اینکه متهم و همراهانش تمام قرائن و شواهدی را که پلیس بتواند بر اساس آنها ردزنی کند، کور کرده بودند، گفت: «ما چندین تیم از جمله در تهران و کرج برای شناسایی و دستگیری این فرد قرار دادیم و خوشبختانه یکی از تیم‌های ما که در استان‌های غربی کشور فعال بود با هدایت پلیس آگاهی تهران بزرگ توانست نقطه‌ای که این فرد در آن پنهان شده بوده، در روستایی در ۵۰ متری مرز ترکیه را شناسایی کند. ضارب در روستایی در کوهستان و در منطقه‌ای صعب‌العبور پنهان شده بود که بعد از شناسایی در عملیاتی کمتر از ۲۴ ساعت در حالی که پشت یک سنگ استراحت می‌کرد دستگیر شد.»

سردار رحیمی در خصوص سوابق متهم نیز گفت: «او هشت قره سلسابقه زندان دارد و در دهها قره به دلیل مزاحمت و اوپاشگری و اخلاف در نظم عمومی بازداشت شده است. آخرین بار هم زمانی بود که در فضای مجازی اقدام به لجن‌پراکنی و خط و نشان کشیدن برای یکی دیگر از اراذل و اوباش می‌کرد که بعد از سه الی چهار بار انتشار آن فیلم در فضای مجازی در حالی که در نقاط شمالی تهران مخفی شده بود، بازداشت شد. متهم هنگام دستگیری با سلاح سرد و قمه به مأموران حمله می‌کند که در این درگیری مأموران با شلیک گلوله به پای وی موفق به دستگیری او می‌شوند، اما یک ماه و نیم بعد با قید وثیقه از زندان آزاد می‌شود.»



**گفت و گو با متهم**

او متولد ۶۳ بود و همه بدنش پر از خالکوبی و روی صورت و گردنش

محبوبه قربانی

**فرمانده انتظامی تهران بزرگ از دستگیری یکی از اشراار سطح یک تهران که به اتهام قتل عمد تحت تعقیب قرار داشت، خبر داد.**

به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین رحیمی با حضور در جمع خبرنگاران در پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «متهم که «وحید.م.» نام دارد با ۱۴ قره سلسابقه در یکی از روستاهای نقطه مرزی ایران و ترکیه بازداشت شد. او چهار شبیه هفته گذشته، ۲۴

جای زخم چاقو به چشم می‌خورد. وقتی از این زخم‌ها سؤال شد او گفت این زخم‌ها مربوط به درگیری‌هایی بوده که داشتم. **متاهلی؟** بله، یک پسر چهار ساله دارم. **از شغلت بگو.** شغل آزاد بود. در نمایشگاه ماشین کار دلالی خودرو می‌کردم و در باشگاه بدنسازی داروهای تقویتی می‌فروختم. **مگر ورزشکاری؟ چه رشته‌ای؟** بله. در رشته کشتی. گاهی در باشگاه نیز به بعضی از جوان‌ها آموزش می‌دادم. **از سوابقی که داشتی بیشتر توضیح بده. چرا این همه درگیری داشتی؟** به خاطر دوستانم. وقتی آنها درگیر می‌شدند به هواخواهی از آنها وارد درگیری می‌شدم. **گویا ۱۰۸ هزار فالوور در فضای مجازی داری. چرا این همه طرفدار داری؟** به خاطر اینکه خیلی‌ها می‌خواستند و حرمت آنها را نگه می‌داشتم!

**چرا فیلم‌های درگیری را در فضای مجازی پخش می‌کردی؟** خودم این کارها را نمی‌کردم. این اشتباه هوادارها بود. همین هوادارها هستند که آدم را بدبخت می‌کنند تا اینکه بار آخر با تعهد به پلیس فتا آزاد شدم.

**انگار مدتی است با عصا راه می‌روی؟** بله. به خاطر اینکه در عملیات دستگیری پلیس دو بار و هر بار چند تیر به پایم شلیک شد.

**شنیدم یک قره قتل هم در پرونده‌ات داری؟** بله. ولی تیره نشدم. با مرگ مرد جوانی در یک درگیری به اتهام قتل عمد دستگیر شدم، اما اعلت فوت سکنه قلبی تشخیص داده شد. به همین دلیل تیره نشدم.

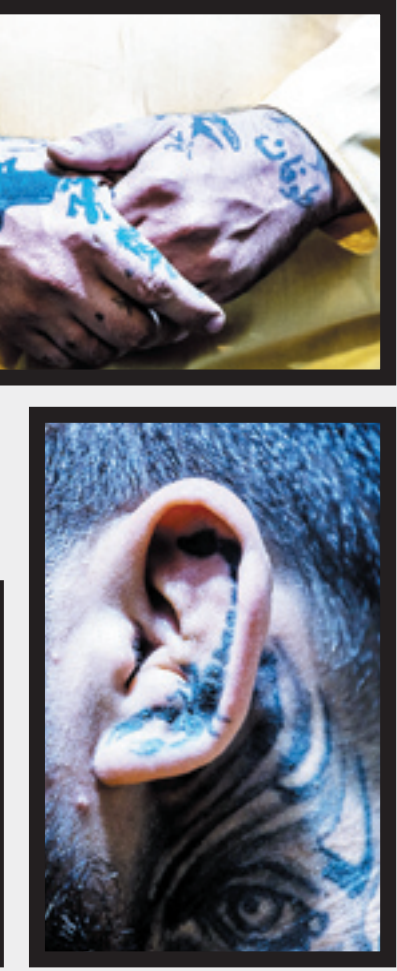
**با چه وثیقه‌ای آزاد بودی؟** با وثیقه ۴۰۰ میلیون تومان.

**از چه حادثه بگو. چرا به خانه مجردی دوست رفتی؟** کفالت مادرم را به عهده بگیرم و در حال انجام کارهایم بودم که این اتفاق افتاد. **چرا جدانشدند؟** پدرم معتاد بود. **مقتول را می‌شناختی؟** بچه محل لیلی مای بود. او از گنده‌لات‌های محل بود که همه بچه‌های محل از او حساب می‌بردند و برای خودش تعداد زیادی بچه داشت که همیشه همراهش بودند.

**روز حادثه برای چه به محله قبلی‌ات رفته بودی؟** دو سال بود که خانه‌مان را از محله شهران به دولت‌آباد شهری برده بودیم. بچه‌های محله جدیدمان خلایق‌کار و بعضی از آنها هم معتاد بودند. به همین خاطر با آنها دوست نشدم و هر چند وقت یکبار برای دیدن دوستان قدیمی‌ام به محله شهران می‌رفتم. ما داخل پارکی به نام باغی دور هم جمع می‌شدیم و حرف می‌زدیم و بعد از چند ساعت دوباره به خانه‌مان برمی‌گشتم. آن روز هم برای دیدن دوستان قدیمی‌ام به پارک باغی رفته بودم که این اتفاق افتاد.

**چرا با هرگز درگیر شدی؟** پارک باغی در فرقی او و آنچه‌هایش بود. هر روز وقتی مست می‌کرد همه بچه‌های محل را کتک می‌زد و از داخل پارک بیرون می‌کرد و کسی هم جرئت مقابله با او را نداشت. آن روز همز با من درگیر شد و خیلی اتفاقی من قتل رسید.

**درباره روز حادثه توضیح بده؟** عصر روز حادثه پس از تعطیل شدن از محل کارم تصمیم گرفتم به دیدن دوستان قدیمی‌ام بروم. با مترو تا میدان صادقیه رفتم و از آنجا هم با اتوبوس به فلکه دوم شهران رفتم. دقیقی بعد از در شمالی پارک باغی وارد پارک شدم. همان ابتدا هرز نشسته بود و مرا صدا زد. تعجب کردم، چون او اصلاً ما را آدم حساب نمی‌کرد. اما به هر حال با ترس به او نزدیک شدم. هرز مست بود و از من خواست



آن روز حسین تماس گرفت و گفت برایم جشن آزادی گرفته‌اند. خودش یک ماشین فرستاد و به آنجا رفتم. در خانه او دو نفر از دوستانش و دو نفر از خواهرزاده‌هایش هم بودند. **علت درگیری‌ات با مقتول چه بود؟** او اصرار کرد که با گوشی لایو بگیریم، اما قبول نکردم. مقتول برای آن جشن مشروب سرو کرده بود. مجبور شدم بعد از مدت‌ها همراه مقتول دوباره لب به مشروب بزنم. به همین دلیل هر دو در حال طبیعی نبودیم. وقتی برای گرفتن لایو مخالفت کردم، مقتول فحش ناموس داد و به همین خاطر عصبانی شدم و چاقو را برداشتم. سپس مقتول و دو نفر از دوستانش را زخمی کردم و از خانه خارج شدم. **همان موقع متوجه فوت حسین شدی؟** نه. در راه خانه بودم که فهمیدم حسین فوت کرده است. **بعد از قتل کجا رفتی؟** به خانه رفتم و به همسرم گفتم که حسین را کشتیم. او با گریه خواهش کرد خودم را معرفی کنم، اما قبول نکردم و بعد از برداشتن مقداری پول و مدارک از همسر و پسرم جدا شدم و سراغ



قاچاقچیان رفتم. می‌خواستم از مرز ترکیه فرار کنم که ۷ صبح روز جمعه در کوه‌های یکی از روستاهای باکو دستگیر شدم. **قرار بود چقدر پول برای فرار غیرقانونی ببردازی؟** حدود ۲ الی ۳ میلیون.

**حرفی در مورد پرونده سیاهی که در این سال‌ها برای خودت درست کردی داری؟** پشیمانم. اگر به سال‌ها قبل بر گردم، فقط به درس خواندن فکر می‌کنم.

**پسرت را چطور نصیحت می‌کنی؟** به او می‌گویم فقط درس بخواند.

**آیا خانواده‌ات از اوضاع و احوالت خبر دارند؟** برادر که ندارم و تک پسر هستم. خواهرم هم چند سال قبل فوت کرد. من با این کارها پدر و مادرم را ریز کردم.

**حرف آخر.** جوان‌ها راه در دست را انتخاب کنند. هر چقدر مطرح و گنده‌لات باشی آخرش این است که من رسیدم.

## قاچاق مواد مخدر به ترکمستان با هلی‌شات!

**مردی که با دستگاه هلی‌شات مواد مخدر را از گنبد کاووس به ترکمستان قاچاق می‌کرد، بازداشت شد.**

چند روز قبل بود که مرزبانان در منطقه مرزی ایران و ترکمنستان در محدوده روستای ترشکلی گنبد کاووس یک دستگاه هلی‌شات را به همراه ۷۰۰ گرم تریاک کشف کردند. مرزبانان احتمال دادند که قاچاقچیان با استفاده از هلی‌شات اقدام به انتقال مواد مخدر به ترکمنستان می‌کنند که بازداشت عامل یا عاملان آن در دستور کار مرزبانان قرار گرفته است. سرهنگ محمدرضا ساروانی، فرمانده هنگ مرزی ترک استان گلستان توضیح داد: مأموران در جریان تحقیقات خود متهم تریاک و یک دستگاه هلی‌شات کشف کردند. وی در بازجویی‌ها به انتقال مواد مخدر با استفاده از هلی‌شات به ترکمنستان اعتراف کرد.

## نجات پیرزن از ارتفاعات خلخال

**فرمانده انتظامی شهرستان خلخال از عملیات ۴۸ ساعته و موفقیت آمیز پلیس و امدادگران در پیدا کردن پیرزن ۷۰ ساله خبر داد.**

سرهنگ محمدنمازی گفت: به دنبال اعلام خبر مقتدی پیرزن ۷۰ ساله خلخالی به هنگام جمع‌آوری گیاه کنگر در ارتفاعات روستای «گیلون» بخش شاهرود، بلافاصله کمیته بحران تشکیل و عملیات جست‌وجو با حضور پلیس و نیروهای امدادی آغاز شد. وی افزود: با انجام عملیات جست‌وجوی ۴۸ ساعته و در اقدام موفقیت‌آمیز پلیس و نیروهای امدادی، این پیرزن در ارتفاعات شهر «ماسوله» شناسایی و پیدا شد. فرمانده انتظامی شهرستان خلخال تصریح کرد: بررسی‌ها حاکی از آن است که این پیرزن به همراه سه زن دیگر برای جمع‌آوری گیاه کنگر به ارتفاعات ۲ هزار و ۳۰۰ متری روستای «گیلون» می‌روند که به علت مه‌آلود بودن دامنه‌های کوه‌آواز دوستان خود فاصله می‌گیرند و ناپدید می‌شود.



**سقوط مرگبار بویینگ با ۱۱۰ کشته**  
 هواپیمای مسافربری بویینگ ۷۳۷ لخطاتی پس از برخاستن از فرودگاهی در کوبا سقوط کرد و ۱۱۰ سرنشین آن جان باختند. وضعیت سه نفر از مجروحان حادثه هم وخیم اعلام شده است.  
 این هواپیماروز گذشته با ۱۱۳ مسافر و خدمه عازم شهر «ولگین» در شرق کوبا بود که لخطاتی پس از برخاستن از فرودگاه بین‌المللی «خوزه مارتی» کوبا به علت نامشخصی سقوط کرد. لخطاتی بعد از حادثه تیم‌های گسترده امداد در محل حاضر شدند و شروع به امدادسانی کردند. آژنگه که در خبرها آمده است سه نفر از مسافران از حادثه جان سالم به در برده‌اند، اما به علت جراحت به بیمارستان منتقل شده‌اند. علت وقوع حادثه در دست بررسی است.